



بررسی حقوقی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به بهانه فعالیت‌های هسته ای

بابک زارعی

گروه حقوق ، دانشگاه آزاد اسلامی ، آبادیه ، ایران

Alibarani۵۷@yahoo.com

چکیده

تحریم‌های اقتصادی وسیله‌ای برای رسیدن کشورها و سازمان‌های تحریم‌کننده به اهداف خود هستند. این اهداف می‌تواند تغییر رفتارهای سیاسی یک دولت باشد یا اینکه از این تحریم‌ها بعنوان جایگزینی دیپلماتیک برای جنگ استفاده کرد و یا اهداف دیگر... که در هر حال هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری را برای هر دو طرف خواهد داشت. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به دنبال انزوای ایران در روابط خارجی و همسو کردن سیاست‌ها و توقف غنی‌سازی هستند. همانطور که می‌دانیم روابط و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و وابستگی ملل به محصولات یکدیگر باعث می‌شود که روابط اقتصادی میان دولت‌ها تبدیل به یک ضرورت اقتصادی و حتی ضرورت سیاسی شود، از طرفی تضمین صلح و برقراری روابط دوستانه و همکاری دولت‌ها از مهمترین اهداف سازمان ملل است و حتی هر اقدامی که استقلال سیاسی دولتی را به خطر اندازد خلاف حقوق بین‌الملل است و همکاری بین‌المللی از مهمترین اهداف سازمان ملل بوده که تحریم اقتصادی به شدت آنرا زیر سوال می‌برد. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند با این سیاست اعمال گردند، که با به انزوا کشیدن کشور مورد تحریم در روابط خارجی و از طرفی حمایت آشوب‌های داخلی که در اثر فشار ناشی از تحریم به وجود می‌آیند، دولتی را مجبور به تغییر رفتار کنند. گاه این تحریم‌های اقتصادی حال چه در قالب تحریم‌های سازمان ملل و یا تحریم‌های خارج از منشور و یکجانبه، با حقوق بشر و روح و ذات منشور سازمان ملل و قوانین حقوق بین‌الملل در تناقض قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: تحریم اقتصادی، حقوق بین‌الملل، شورای امنیت، دیپلماتیک، صلح و امنیت جهانی، فعالیت هسته ای.



می‌دانیم که فلسفه به وجود آمدن تحریم‌ها به عنوان یک ابزار سیاسی و اقتصادی، احقاق حقوق انسان‌ها و ایجاد تعادل و توازن قدرت میان دولت‌ها و رعایت حقوق بشر توسط دولت‌هاست، اما تاریخ نشان می‌دهد که گاهی تحریم‌ها توانسته‌اند باعث نقض حقوق بشر شوند. هدف از تحریم‌ها علاوه بر مسائل و موضوعات هسته‌ای، تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران است. برای رسیدن به این هدف، تحریم‌ها در صدد فشارهای اقتصادی بر ایران را افزایش داده و ایران را محکوم به انزوای در روابط خارجی کنند و آنچه حاصل می‌شود نارضایتی در داخل و فشارهای اقتصادی و بین‌المللی است. نارضایتی‌های داخلی و فشارهای بین‌المللی تا حدی بر هزینه‌های سیاسی و اقتصادی تاثیر خواهند گذاشت که ممکن است دولت را وادار به اتخاذ سیاست‌های جدید در عرصه بین‌المللی کنند. برای رسیدن به این اهداف آنها از تحریم‌های یکجانبه و قطعنامه‌های شورای امنیت استفاده می‌کنند. باید دید وسیله‌هایی که آنها را به هدفشان نزدیک می‌کند آیا ماهیت حقوقی دارد یا خیر؟ طرفداران مجازات‌های اقتصادی معتقدند که این مجازات‌ها مستلزم توسل به زور و خشونت نیستند و تاثیر گذار هم هستند از این رو مزیت‌های بسیاری نسبت به جنگ دارند، اما برای اینکه بدانیم تحریمی موفق هست یا نه باید هم تاثیراتش از لحاظ اقتصادی را در دولت هدف بررسی کنیم و هم میزان موفقیت سیاسی تحریم، یعنی آن مقداری که توانسته واکنش سیاسی مطلوب و نتیجه دلخواه تحریم‌کنندگان را در دولت هدف بوجود بیاورد را مورد مطالعه قرار دهیم. همانطوری که میدانیم برای اینکه کشوری بتواند حیات سیاسی اجتماعی اقتصادی داشته باشد و در صحنه بین‌المللی مطرح باشد، باید با کشورهای دیگر و در واقع با جامعه بین‌المللی در ارتباط باشد و بدون وجود این رابطه امنیت بین‌المللی در خطر نابودی قرار خواهد گرفت. به همین خاطر کشورهای قدرتمند جهانی از تحریم‌های اقتصادی بعنوان اهرم فشار مادی و معنوی استفاده می‌کنند و کشورهای مورد تحریم در واقع کشورهایی هستند که از اهداف سیاست خارجی کشور تحریم‌کننده حمایت نکرده‌اند. تحریم اقتصادی بعنوان سیاست خارجی از یونان باستان آغاز شد و از ابتدا تا کنون ایالات متحده آمریکا پرچمدار استعمال تحریم اقتصادی است. در مقابل مخالفان مجازات‌ها و تحریم‌های اقتصادی معتقدند که تحریم‌ها غیر انسانی و با مصالح و منافع بشریت در تناقض است. در واقع همانطوری که منشور سازمان ملل اقدامات نظامی و قهری خارج از منشور را تجاوزکارانه و مستحق مجازات میدانند و با واکنش سریع جامعه بین‌المللی مواجه می‌شود باید تحریم اقتصادی خارج از منشور نیز عملی غیر حقوقی و تجاوزکارانه محسوب شده و با آن برخورد شود. چرا که آثار آن گاهی کمتر از جنگ نخواهد بود. این تحریم‌های یکجانبه می‌تواند دخالتی در حاکمیت دولت‌ها بوده و نظم نوین اقتصادی را دچار هرج و مرج و بی‌نظمی کند. تحریم‌کنندگان مدعی هستند که از مردم ایران حمایت می‌کنند و از بوجود آمدن یک جنگ جلوگیری می‌کنند اما در عمل رفتار آن‌ها بیشتر باعث احتمال رویارویی و جنگ می‌گردد. بعد از پایان جنگ سرد، شورای امنیت در موارد زیادی از اختیارات خود در اعمال تحریم‌های اقتصادی بعنوان مجازات استفاده کرده و بحران‌های بین‌المللی را به شیوه خودش هدایت کرده است. آسیب‌های جبران‌ناپذیری که تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بر زندگی غیر نظامیان گذاشت باعث شد که مشروعیت این تحریم‌ها زیر سوال رفته و بحث‌های بسیاری در این زمینه آغاز گردد. در واقع گسترش اختیارات شورای امنیت که شاهد آن هستیم ممکن است برای برقراری صلح و امنیت خوب باشد اما موضوع مورد بحث رعایت حدود و مشروع بودن یا نبودن آن اختیارات از لحاظ حقوقی است. از طرفی در میان اعضای دائم شورای امنیت یک عضو در مکان آمر قرار گرفته و هر روز بیشتر اثرگذاری خود را بر تصمیمات و اقدامات شورای امنیت نشان می‌دهد. در بحث تحریم‌های اقتصادی



علیه ایران باید گفت که ایران تا قبل از ارجاع پرونده هسته ای به شورا هیچ‌گاه مورد تحریم شورای امنیت قرار نگرفته بود اما مورد تحریم قدرت های بزرگ جهانی قرار گرفته بود که موضوع هسته‌ای باعث شد که بحث تحریم های علیه ایران ابعاد بین المللی بیابد. در واقع مهمترین چالش چند سال گذشته بحث تحریم ها و گفتمان هسته ای ست و قدرت هایی چون اتحادیه اروپا و آمریکا بدنبال مدیریت آن هستند و اروپا بدنبال آن است که از این راه نفوذ خود را در خاور میانه افزایش دهد. ایران در طی این سالها بارها اعلام کرده است که فعالیت هسته ای اش صلح آمیز بوده و به هیچ عنوان در صدد دست یابی به سلاح هسته ای نیست اما ایالت متحده و متحدان وی جامعه جهانی را قانع کردند که ایران در صدد فریب جامعه جهانی و دست یابی به سلاح کشتار جمعی ست. ایران اتهامات در زمینه برنامه هسته‌ای اش را بی اساس خوانده و تاکید دارد که به عنوان عضوی از اعضای آژانس و یکی از امضا کنندگان پیمان منع گسترش از تمامی حقوق در زمینه دستیابی به فناوری هسته ای برای مقاصد صلح آمیز برخوردار است و تحریم های جدید تنها حل و فصل دیپلماتیک موضوع هسته ای ایران را مبهم تر از قبل خواهد ساخت.

بخش اول: تحریم اقتصادی چیست؟

مبحث اول: مفهوم و انواع تحریم اقتصادی

تحریم، گاهی در معانی بایکوت (Boycott) یا سانکسیون (Sanction) استفاده می‌شود. بایکوت در علوم سیاسی فعالیتی اعتراضی در شکل خودداری از انجام یک کار مثلاً تحریم انتخابات است و سانکسیون نوعی جریمه که با هدف واداشتن تحریم شونده به اطاعت از قانون صورت می‌گیرد مثل تحریم‌های علیه ایران. اما موضوع بحث ما تحریم اقتصادی است. "تحریم اقتصادی عدم تبادل تجاری و اقتصادی کشورهای مختلف است به یک کشور برای تنبیه به دلایل سیاسی و نظامی"^۱ یا به تعبیری دیگر استفاده از ابزار اقتصادی است برای رسیدن به مقاصد سیاسی. تحریم‌های اقتصادی از آن جهت که توسل به زور و خشونت در آنها کاربرد ندارد (همانند جنگ) می‌توانند نسبت به جنگ مزیت داشته باشند و از طرفی گاهی مؤثر هم می‌افتند. تحریم‌های اقتصادی را جان گالتونگ اینگونه تعریف می‌کند: "اقداماتی که یک یا چند بازیگر بین المللی علیه یک یا چند بازیگر بین المللی دیگر به منظور یکی یا هر دو هدف زیر به عمل می‌آورند: تنبیه طرف مقابل یا محروم ساختن آن از برخی چیزها که برای آن ارزش دارد یا وادار ساختن طرف مقابل به رعایت برخی هنجارها که برای طرف اقدام کنند. حائز اهمیت است"^۲ ذات تحریم اقتصادی برای ایجاد شرایط سخت علیه مردم یک کشور نیست و در اصل برای تغییر رفتار و تغییر سیاست یک دولت است. در یک مطالعه راجب تحریم‌های جهانی خواهیم دید که تحریم‌های اقتصادی نتایج مطلوبی را به دست کشورهای تحریم کننده نداده اند از جمله تحریم رودزیای سابق و بیشتر تأثیر گذاری اقتصادیشان مشاهده می‌شود تا اثر بخش سیاسی آنها. تحریم های اقتصادی وسیله ای برای رسیدن کشور تحریم کننده به هدف خود می‌باشند، کشورهای تحریم کننده اغلب درصد تغییر یک رفتار سیاسی یا اقتصادی از سوی کشور هدف هستند البته این نوع تحریم خسارات مادی و معنوی کم تری برای کشور تحریم شونده در پی دارد اما در بعضی از اوقات در تاریخ تحریم‌های اقتصادی دیده شده است که کشورهای تحریم کننده هدف دیگری

۱ - علی اکبر، دهخدا، لغتنامه فارسی.

۲ - محمدجواد، ظریف و سعید، میرزایی، تحریم یکجانبه آمریکا علیه ایران، مجله سیاست خارجی، شماره ۱، ص ۹۰.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

را دنبال می‌کنند و آن تغییر رژیم سیاسی روز یک کشور است به آن علت که کشور هدف، منافع استراتژیک و به کلی خط مشی متفاوتی نسبت به کشور تحریم کننده دارد. این نوع از تحریم‌ها دقیقاً به حالتی شبیه‌اند که کشوری بخواهد پیش از آنکه جنگی رخ دهد از تحریم‌های اقتصادی برای تغییر رژیم سیاسی استفاده کند. تحریم‌های اقتصادی یا تجاری هستند یا مالی. اگر کشور تحریم کننده تحریم مالی را بر کشور هدف روا دارد، قطع سرمایه‌گذاری‌ها و فشار بر معاملات مالی تا رسیدن به هدف را در دستور کار خود قرار می‌دهد و اگر هدفش تحریم‌های تجاری باشد با قطع واردات و صادرات، اقتصاد کشور هدف را فلج خواهد کرد. در تحریم تجاری از کشورها خواسته می‌شود تا در حوزه یا حوزه‌هایی با کشور هدف تحریم مبادلات تجاری انجام ندهند. تحریم‌های تجاری بر ایران اعمال شدند و در صورتی که کشوری از انجام این تحریم تخلف کند با آن کشور برخورد خواهد شد. در تحریم‌های مالی مبادلات تجاری به صورت مستقیم مورد نظر نیستند و مبادلات تجاری از طریق کنترل منابع مالی جابه‌جا می‌شوند و در اثر مبادله کنترل می‌شوند. من باب مثال: اگر یک شرکت ایرانی بخواهد کالایی را از یک شرکت ترکیه‌ای خریداری کند باید هزینه آن کالا که در مبادلات تجاری بین‌المللی معمولاً به دلار محاسبه می‌شود از طریق بانک به حساب شرکت فروشنده واریز نماید بانکی که شرکت ترکیه‌ای نزد آن حساب دارد پیش از دریافت دلارها برای دریافت اطمینان از معتبر بودن وجه دلاری نیازمند تأیید بانک مرکزی ایالات متحده-فدرال رزرو- می‌باشد و چون اعتبار دلار وابسته به تأیید نهاد خلق کننده آن است تمامی مبادلات تجاری دلاری از مجاری بانکی تحت کنترل آمریکا بوده و براحتی قابل مسدود شدن است. بیشترین تحریم‌های اعمال شده علیه ایران تحریم‌های مالی هستند.^۳ علاوه بر این‌ها، می‌توان از سازوکارهای کنترل اطلاعات مبادلات تجاری برای تحریم استفاده کرد اطلاعاتی که از داخل بازار لازم است و اطلاعاتی که برای انتقال صحیح و به موقع منابع نیاز است. این نوع تحریم، تحریم اطلاعاتی است. اطلاعات مربوط به وضعیت بازار و نرخ‌های ارز نقش مهمی دارند. تقسیم‌بندی دیگری که برای تحریم‌های اقتصادی وجود دارد اینکه آیا تحریم‌ها یکجانبه هستند یا چندجانبه و یا تحریم‌های سازمان ملل هستند. در تحریم‌های یکجانبه که یک کشور، کشور دیگری را هدف قرار می‌دهد مشکلات اقتصادی کمتری نسبت به تحریم‌های چندجانبه برای کشور هدف پیش می‌آید چرا که فشار مالی و اقتصادی تنها از سوی یک کشور خواهد بود، میزان اثرگذاری این تحریم‌ها به میزان روابط اقتصادی میان طرفین بستگی دارد. چنانچه اگر کشور تحریم کننده درصد بالایی از اقتصاد کشور دوم را تحت پوشش خود داشته باشد مسلماً آینده این تحریم بر هم خوردن نظام اقتصادی کشور تحریم شونده و خسارات جبران‌ناشدنی ست و اگر روابط اقتصادی چندانی وجود نداشته باشد چه بسا که کشور تحریم شونده بتواند در مقابل تحریم‌های اقتصادی مقاومت کند. اما در تحریم‌های چندجانبه ی چند کشور که بدان ائتلاف کشورهای داوطلب می‌گویند، آثار، خسارات و هزینه‌های تحریم بسیار بیشتر از تحریم‌های یکجانبه خواهد بود. نوع دیگری از تحریم وجود دارد که به صورت همه‌جانبه بوده و برای اعضای سازمان ملل لازم‌الاجرا بوده و دارای بعد حقوقی و قانونی است و آن تحریم شورای امنیت سازمان ملل است. تحریم برای هر دو کشور تحریم کننده و هدف هزینه‌هایی را دربر خواهد داشت. هزینه وقت، انرژی، هزینه زمانی و مالی، هزینه قیمتی و حتی هزینه‌های روانی. بسته به وضعیت طرفین، هزینه وقت و انرژی بر کشورها تحمیل می‌شود و اینکه کشوری بخواهد بازارها را تغییر دهد تا تحریم اقتصادی شکل گیرد هزینه مالی و زمانی و قیمتی دربر خواهد داشت، زمانیکه بازار تغییر می‌کند کالاهای مشابه با قیمت بالاتر خریداری می‌شوند و قدرت خرید پول کاهش خواهد یافت و در مقابل در کشوری که خود، تحریم و تغییر

۳ - عبدالله، قنبر لو، آمریکا و بحران هسته‌ای ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۲، ص ۷۳۶.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

را باعث شده است مشکلاتی از قبیل انجام خدمات مالی برای شکل گرفتن تحریم مورد نظرش و از دست رفتن بازار فروش، وجود خواهد داشت و هزینه روانی تحریم اقتصادی این خواهد بود که دیگر سرمایه گذاران مانند قبل، به دنبال فرصتهای سرمایه گذاری نخواهند بود زیرا بازار تبدیل به بازاری بی ثبات خواهد شد. تقسیم بندی دیگری نیز برای تحریم های اقتصادی وجود دارد. در صورتی که تحریم تنها به روابط میان دو کشور مربوط شود به طوری که کشوری از برقراری تجارت یا تبادل خدمات یا سایر روابط اقتصادی و اجتماعی با کشور دیگری امتناع نماید، تحریم اولیه یا ابتدایی نامیده می شود. که دامنه شمول آن محدود است. اما گاهی ممکن است کشوری دامنه تحریماتش را گسترش داده و روابط بازرگانی و مالی و... را با کشورهایی که با کشور هدف (کشور مورد تحریم) دارای روابط هستند قطع کند، که این نوع تحریم، تحریم ثانویه نامیده می شود و دامنه شمول آن بسیار فراتر از تحریم اولیه خواهد بود. همچون قانون داماتو امریکا علیه ایران برای کشورها و شرکت هایی که با ایران دارای روابط تجاری و بازرگانی هستند. این قطع روابط در واقع به مثابه یک مجازات است. کشورهای قدرتمند از طریق تحریم های اقتصادی، کشورهای نقض کننده را مورد انزوای سیاسی قرار می دهند و این یکی از فنون موثر و کارآمد در اجرای سیاست خارجیشان است. آن ها برای تحقق هدف ها و تامین منافع ملیشان از این ابزار اقتصادی استفاده می کنند که به عصر کنونی هم منحصر نیست، در گذشته هم برای دولت های قدرتمند بسیار کاربرد داشته است هر چند که شاید با حقوق بین الملل چندان تطابقی هم نداشته باشد. اگر بخواهیم تحریم های ثانویه تحمیل شده بر ایران را بررسی کنیم، باید به قانون داماتو اشاره کنیم که البته با واکنش شدید جامعه جهانی روبرو شد. کلینتون رییس جمهور آمریکا در تاریخ پنج اوت سال ۱۹۹۶، لایحه تحریم اقتصادی نفتی ایران را تصویب کرد، در واقع یک سال پیش از آن، طرح این لایحه توسط سناتور جمهوری خواه الفونسو داماتو به سنای آمریکا ارائه شده بود. لایحه بلافاصله با تصویب رییس جمهور و وجهه قانونی پیدا کرد و هر شرکت یا بنگاه اقتصادی که با ایران قرارداد نفتی به مبلغ چهل میلیون دلار یا بیشتر امضا کرده بود یا در نتیجه اجرای چنین قراردادی موجب تقویت تولید یا توان نفتی ایران شده بود، را تحت تحریم دولت آمریکا قرار داد و مجازات هایی برای این کشورها در نظر گرفته شد که موجب واکنش جامعه بین المللی گردید. در این میان نوع دیگری از تحریم به وجود آمد که هم عناصر یک تحریم اولیه را در بر داشت و هم عناصر تحریم ثانویه را. این تحریم یک قطع رابطه جمعی بود که در سال ۱۹۵۴ تصویب شد و بوسیله بیست کشور عضو به صورت یک قانون تصویب گردیده و توسط یک دفتر مرکزی تحریم سازماندهی می شد. یکی از مهمترین تحریم های جمعی تحریمی بود که توسط آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران و در جهت توقف در پیشرفت برنامه اتمی شکل گرفت و جدای از بحث تاثیراتش بر روی برنامه اتمی ایران، تاثیرات منفی بر اقتصاد ایران گذاشت. در خصوص تحریم های ثانویه نظریات مختلفی در حقوق بین الملل وجود دارد. استدلالی هست که می گوید کشورها دارای حاکمیت هستند و در نهایت در تنظیم روابط و سیاست خارجی خود با دیگر کشورها دارای آزادی عمل هستند. این قاعده هم در روابط سیاسی و هم در روابط اقتصادی وجود دارد. در قرن هجدهم این نظریه توسط واتل حقوقدان سویسی عنوان گردید که به یک کشور اجازه میداد تا برای رسیدن به اهداف سیاسی خویش، کشورهای دیگر را تحت فشار اقتصادی قرار دهد. در واقع این نظریه می گوید وظایف و تکالیفی که یک دولت نسبت به کشور خویش دارد در اولویت است تا آن وظایف و تکالیفی که همان کشور در مقابل کشورهای دیگر و جامعه بین المللی خواهد داشت. طرفداران این دیدگاه به قطع نامه ۱۸۰۳ مورخ چهارده دسامبر ۱۹۹۶ که بر اصل حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی خویش تاکید دارد، اعلامیه ۱۹۷۴ درباره حقوق و وظایف



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اقتصادی با اتکا به اصل آزادی ملل در تعیین سرنوشت خود، که هر یک از اعضای حقوق بین الملل را در انتخاب طرف مقابل خود در داد و ستد آزاد گذاشته است، ماده یکم بند دوم میثاق حقوق بین الملل مربوط به حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی ۱۹۹۶، که می گوید کلیه ملت ها می توانند برای نیل به اهداف خود منابع و ثروت های طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری اقتصادی بین المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین الملل ازادانه به مصرف برسانند. دیدگاه های دیگری در حقوق بین الملل وجود دارند که یکی از آن دیدگاه ها نظریه بی طرفی ست، طرفداران این نظریه جنگ مستقیم اقتصادی از سوی یک کشور علیه کشور دیگر را مجاز می دانند اما هدفشان به حداقل رساندن اثرات مضر و زیان بار بر روی طرف های ثالث است. در واقع تحریم اولیه را مجاز شمرده و برای تحریم ثانویه محدودیت هایی قایل است و تفاوت آن با دیدگاه قبلی در همین نکته است، چرا که نظریه حاکمیت کشورها که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت، تفاوتی برای درجات مختلف تحریم قایل نبود. دیدگاه دیگری نیز هست که انواع تحریم را غیر مجاز می شمارد. این نظریه که منع قانونی نام گرفته بروزتر از نظریات قبلی ست و با حقوق بشر نیز سازگاری بیشتری دارد و ریشه در نظریه های اقتصادی سیاسی کلاسیک لیبرال دارد. مدافعان این نظریه مدافعان سرسخت تجارت ازادند لذا هر گونه اخلال عمدی و آگاهانه در جریان طبیعی و عادی معاملات اقتصادی را موجب خسارت و آسیب به اقتصاد جهانی می دانند. حقوقدانان بسیاری این نظریه را تایید کرده اند، خصوصاً حقوقدانانی از کشورهای در حال توسعه که دلایلی نیز برای غیر مجاز بودن تحریم های یکجانبه و ثانویه در حقوق بین الملل ارائه کرده اند. معتقداند که اقدام کشورها برای اعمال تحریم اقتصادی علیه سایر دولت ها هیچ گونه مبنای حقوقی ندارد. از جمله دلایلی که توسط کشورهای در حال توسعه مطرح می گردد، آن است که بند چهارم ماده دوم منشور ملل متحد در خصوص تعهد اعضا در خودداری از توسل به زور تنها شامل زور نظامی نمی باشد بلکه زور اقتصادی و سیاسی را نیز در بر می گیرد. از طرفی اعلامیه ۱۹۷۰ در خصوص اصول حقوق بین الملل حاکم بر روابط دوستانه نیز، از دولت ها می خواهد که از بکارگیری زور در روابط نظامی یا سیاسی یا به هر نحو دیگر، در روابط بین المللی خودداری نمایند. تحریم ثانویه آمریکا که علیه کشورهای طرف ثالثی ست که با کشور ایران در حال داد و ستد و معامله هستند به عنوان مداخله غیر قانونی تلقی می گردد. ماده سی و دو منشور در رابطه با حقوق و وظایف اقتصادی دولت ها اعلام میدارد که هیچ دولتی نمی تواند از اقدامات سیاسی اقتصادی یا هر نوع دیگر از این اقدامات، برای مجبور کردن دولتی دیگر به منظور فرمانبرداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود استفاده کند یا این اقدامات را تشویق نماید.^۵ و به قطع نامه ۲۱۳۱ مجمع عمومی ۱۹۶۵ اشاره می کند که هیچ دولتی حق ندارد به طور مستقیم یا غیر مستقیم به هر دلیلی در امور داخلی یا خارجی دولت دیگری مداخله کند. تکرار موضوع نامشروع بودن تحریم های ثانویه در قطع نامه ها و برخی معاهدات نشان دهنده شکل گرفتن قاعده عرفی بین المللی در این خصوص می باشد اگر چه ایالات متحده می تواند از اعمال این قاعده عرفی در دیگر کشورها جلوگیری نماید. هر چند که استفاده از تحریم های ثانویه به عنوان ابزار سیاست ملی در جهت تامین هدف ها و منافع ملی نامشروع است، اما ایالات متحده مدعی ست که این ابزار به عنوان نوعی اقدام متقابل مسالمت آمیز در برابر کشورهای ناقض تعهدات بین المللی استفاده می گردد. نمونه بارز تحریم های ثانویه تحریم های آمریکا علیه ایران است. با این ادعا که دولت ایران در زمینه هایی حقوق بین الملل را نقض کرده است. مثلاً دولت ایران متهم به همکاری با گروه های تروریستی و پشتیبانی از آن هاست و مستحق تحریم های ثانویه ست. یا اینکه ایران متهم به نقض تعهدات در زمینه عدم دست یابی به سلاح هسته ای ست.

۵ - مصطفی، زهرانی، نظریه های تحریم اقتصادی، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در صورتی که موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا نیز مشهود است. ادعای صلاحیت برون مرزی قوانین دولت ایالات متحده، تعارض جدی میان قوانین مذکور و قوانین سایر کشورها ایجاد کرده است. مشخص است که کشورها حق اتخاذ تدابیر به منظور کنترل فعالیت ها را در داخل قلمروشان دارند، اما سوال این جاست که آیا این کشورها حق اعمال قوانین ملی را در خارج از قلمرو خود نیز دارند؟ آن هم به منظور اجتناب از آثار منفی آن بر اقتصاد خود؟ تحمیل معیارهای قانون اساسی آمریکا در خارج از مرزهای خود و ارائه یک تفسیر سرزمینی از آن حداقل نسبت به اشخاصی که تبعه آمریکا نیستند، نتیجه نادرست اعمال و اجرای قانون ایالات متحده می باشد. قانون داماتو در اصل شرکت هایی را مجازات می کند که در خارج از مرزهای ایالات متحده مشغول فعالیت های تجاری بر اساس قوانین داخلی کشورشان هستند و این موضوع قابل انتقاد است. قانون داماتو در اصل هدف تحریم شدید ایران را دنبال می کند اما گذشته از هدفش، اشخاص خارج از قلمرو قضایی ایالات متحده را مجبور به انجام رفتارهای مطابق قانون مذکور خواهد کرد. حتی می تواند تجاوزی به حق حاکمیت دولت ها محسوب شده و توسعه بالفعل قلمرو قضایی آمریکا به اعمالی است که قانوناً خارج از مرزهای آن کشور انجام می شود. برخی حقوقدانان، آمریکا را در اجرای این لایحه پلیس جهانی می خوانند و معتقد بودند که عمل وی خطای بین المللی است. قاعده ای در حقوق بین الملل وجود دارد که مطابق آن یک قدرت حاکم، متعهد به احترام به اتباع و حقوق کلیه قدرت های حاکم در خارج از قلمرو خود می باشد و داماتو، چون مغایر با استقلال سیاسی و تجاوز به حاکمیت دولت ها بوده بر اساس اصول حقوق بین الملل غیر قانونی شمرده می شود، از طرفی هیچ گونه تعهدی برای دولت ها و دادگاه ها در شناسایی آثار غیر قانونی و مغایر با مقررات حقوق بین الملل وجود ندارد و در ماده چهار مقررات شورای وزیران اتحادیه اروپا نیز گفته شده که کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مکلف به شناسایی حکم هیچ دادگاه، دیوان یا مرجع اداری در خارج از اتحادیه اروپا در مورد اجرای قانون داماتو نمی باشد. هدف از این مقررات که در برابر تاثیر اطلاق برون مرزی قانون داماتو اتخاذ شده است، از بین بردن آثار غیر قابل قبول قوانین تحریم آمریکا بر اتحادیه اروپا و حمایت از منافع شهروندان اتحادیه است که در حال تجارت بین الملل با کشورهای ثالثند. داماتو قانون اصل تساوی حاکمیت دولت ها را نیز زیر سوال می برد. در کنار تحریم اقتصادی، تحریم دیگری نیز با عنوان تحریم تجاری وجود دارد. هر چند در ظاهر تحریم اقتصادی و تحریم تجاری از لحاظ اقتصادی یک تاثیر دارند اما از نظر حقوقی دارای آثار متفاوتی هستند. تحریم تجاری محدودیت هایی است که دولت ها بر تجارت بین الملل اعمال می کنند، این گونه محدودیت های تجاری اهداف تعریف شده سیاست تجاری یک دولت است در حالیکه تحریم اقتصادی ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی است. تفاوت میان تحریم تجاری و تحریم اقتصادی وجود منافع اقتصادی برای کشور محدود کننده تجارت و وجود منافع سیاسی برای کشور تحریم کننده اقتصادی است، هر چند در تحریم اقتصادی، کشور تحریم شونده و تحریم کننده هر دو از نظر اقتصادی متضرر می گردند.^۶

مبحث دوم: مراحل تحریم اقتصادی

تحریم اقتصادی بدون مقدمه آغاز نخواهد شد، ابتدا کشور تحریم کننده با کشور هدف مذاکره ای را آغاز خواهد کرد، در این مذاکره کشور اعمال کننده تحریم خواهان آن است که کشور هدف را راضی به تغییر روشش کند. مرحله دوم مرحله ای است که تحریم را

۶- بی نا، کمک در تحریم، ماهنامه روند اقتصادی، شماره ۱۱۷، ص ۶.



اعلام می کنند و مرحله سوم به همراه شدن کشورهای متحد دولت تحریم کننده اختصاص دارد. شروع کردن از تحریم ها و موارد غیر اقتصادی مانند کاهش روابط و لغو جلسات چند جانبه مرحله بعدی ست. و در آخر، تحریم آغاز خواهد شد.

مبحث سوم: اثر بخشی تحریم اقتصادی

آیا تحریم های اقتصادی تاکنون اثر گذار بوده اند و توانسته اند کشورهای تحریم کننده را به اهدافشان برسانند؟ در حالت طبیعی زمانیکه معامله ای میان کشورها صورت می گیرد فروشنده، بهترین تولیدات ملی خود را صادر می کند و خریدار با کیفیت ترین کالاهایی که قیمت مناسب تری داشته باشند را خریداری خواهند کرد اما با شروع تحریم، هزینه های اقتصادی سرسام آوری بر هر دو طرف تحمیل می شود و بسته به اینکه کشور هدف تا چه اندازه به اقتصاد کشور تحریم کننده وابستگی دارد هزینه های اقتصادی را تحمل خواهد کرد. اما اگر بخواهیم موفقیت یک تحریم اقتصادی را مورد سنجش قرار دهیم باید توانایی آن را در وجود آوردن یک واکنش سیاسی بررسی کنیم و نه اینکه تا چه حد بر وضعیت اقتصادی تأثیر نهاده است.^۷ این تحریم ها علاوه بر اهداف سیاسی شان، آثار مخرب و منفی ضد بشریت را به دنبال خواهند داشت. «منطق تحریم ساده است، توجه به این واقعیت هشدار دهنده که تحریم ها، حتی آنهایی که سازمان ملل وضع کرده است دارای انگیزه سیاسی است و بصورت گزینشی اعمال شده و به شدت دستکاری گشته است، دیگر بر کسی پوشیده نیست.»^۸ برای اینکه تحریم ها به تنهایی اثر بخشی داشته باشند باید سال ها اعمال گردند و آن درصد موفقیتی که شاید تحریم ها در عراق بدست آورند بخاطر انهدام زیر بنای اقتصادی و به همراه آن از بین رفتن توان نظامی عراق بود. و ابرقدرت ها از تحریم اقتصادی مثل یک ابزار روزانه در سیاست خارجیشان مستفید می شوند. سوآلی که همه در روزهای بحران هسته ای و تحمیل تحریم های اقتصادی در ذهن می پردازند اینکه این تحریم ها بر معاملات نفتی ایران اثری خواهد داشت و اینکه چه مقدار تأثیر می تواند داشته باشد؟ مقامات نفتی ایران معتقداند که تحریم ها نتوانسته موجب کاهش صادرات نفت ایران شود و مانع تولید آن نیز نخواهد شد و ضربه مهلکی را به معاملات نفتی نتوانستند وارد کنند. اما تحقیق سازمان پروژه اطلاعات خاورمیانه شواهدی را بدست می دهد که تحریم به قراردادهای نفتی با قیمت ثابت میان شرکت ملی نفت ایران و خریداران آمریکا خاتمه داده است و به ایران ضربه ای را وارد کرده که ممکن است تازه آغاز گردیده باشد.^۹ تحریم، آمریکا را به این نتیجه می رساند که ایران دیگر به تکنولوژی و موادی که برای غنی سازی نیاز بود دسترسی پیدا نکند. برخی مخالفین تحریم ایران معتقد بودند که تحریم باعث شده هزینه به فروش رساندن نفت برای ایران افزایش یابد. هزینه های اجاره تانکرهایی که ایران اقدام به آن کرده تأثیر مستقیم تحریم یکجانبه آمریکا بود. به تعویق افتادن غیر منتظره قرارداد ذخیره شبکه های نفت ایران توسط آفریقای جنوبی در مسیر عرضه به بازارهای جهانی نیز اثر مستقیم تحریم های اقتصادی آمریکا بود. زیرا مقامات آمریکایی مهمترین نقش را در آن بازی می کردند. با توجه به اینکه کشورهای قدرتمند، گزینه تحریم را در سیاست خارجیشان علیه ایران انتخاب کرده اند، مشخص است که اتخاذ این گزینه هدف کاهش قدرت اقتصادی ایران را دنبال می کند. در اصل باید گفت کاهش قدرت اقتصادی ایران مطلوبیت های راهبردی بیشتری برای سردمداران تحریم ایجاد

۷- بی نا، تحریم ها هزینه های زیادی به کشور تحمیل می کنند، ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۹۵، ص ۱۱.

۸- محمد جواد، ظریف و سعید، میرزایی، منبع پیشین، ص ۹۲

۹- دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۸۱.



خواهد کرد. این مطلوبیت ها از طریق تحریم است که به دست می آید. بررسی تحریم های اقتصادی علیه ایران نشان می دهد که مشکلاتی در خرید و واردات کالا از خارج برای ایران به وجود آمده است که باعث در هم ریختگی سیستم توزیع، احتکار، گران فروشی، پیدایش بازار سیاه برای برخی کالاها و تشکیل کمیته صنفی شده است. مزید بر آن، تحریم ها ایران را مجبور به پرداخت هزینه های کلان برای کالاهای وارداتی نمود. یکی از مهمترین تاثیرات اقتصادی تحریم ها، کاهش ارزش ریال بوده که به دنبال آن کاهش واردات و تحدید دسترسی ایران به سرمایه و تکنولوژی خارجی در کشور دیده می شود. این محدودیت های اقتصادی توانسته اند فضای سرمایه گذاری را در کشور تغییر داده و تخریب کرده و انتقال تکنولوژی به ایران را محدود نمایند. در پی همین تحریم ها بسیاری طرح های توسعه اقتصادی متوقف ماند. تحریم های اقتصادی علیه پرونده هسته ای، آثار متفاوتی بر اقتصاد ایران و به دنبال آن بر فضای سیاسی کشور نهاد. تحریم ها در کوتاه مدت باعث فشار بر سیستم مالی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و باعث افزایش هزینه های معاملاتی و افزایش قیمت ها شدند، در میان مدت، موجب کاهش سرمایه گذاری و کندی رشد و افزایش تورم گردیده که در این دوران همگان شاهد کاهش حجم صادرات و واردات و ذخایر ارزی بودند. در بلند مدت باعث شدند که سرمایه گذاری به عنوان مهمترین عامل رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی کاهش یابد. اما تحریم ها منجر به تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران دقیقاً به نحوی که مورد انتظار ایالات متحده و متحدانش بود نشد، یک تحریم اقتصادی تمام عیار تا زمانی که همکاری تمام شرکای تجاری بالقوه را نداشته باشد بر اقتصاد و صادرات و واردات یک کشور، صدمه جبران نشدنی وارد نخواهد کرد و بدون یک پشتیبانی و حمایت کامل و نیرومند از سوی شرکای تجاری اروپایی و آسیایی، تحریم آمریکابه تنهایی موفق به ایجاد اختلال در منافع اقتصادی دراز مدت ایران نخواهد شد. تحریم ها از لحاظ ساختاری زمانی موفقند که از ویژگی های جهانی بودن، مداوم بودن و جامع بودن برخوردار باشند و اعتبار و مشروعیت لازم را نیز دارا باشند. مهمترین آثار این تحریم ها، نادیده گرفته شدن قواعد و اصول حقوقی و مخدوش کردن حاکمیت یک کشور عضو ملل متحد و تهدید حقوق اتباع آن کشورها و مهمتر از تمام این ها، اینکه تحریم ها آینده روابط را در جامعه بین المللی تهدید می کنند و استمرار آن ها، تحریم ها را به یک قاعده تبدیل خواهد کرد و به دنبال آن مضرات جبران ناپذیری برای آینده ارتباطات بین المللی به وجود خواهد آمد.

بخش دوم: تاریخچه تحریم های اقتصادی علیه ایران

تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بعد از واقعه گروگان گیری دیپلمات های آمریکایی در تهران در سال ۱۹۷۹ شروع شد. در مقابل این گروگان گیری در سفارت آمریکا ایالات متحده ۱۲ میلیارد از دارایی های دولت ایران را مصادره کرد و قانونی وضع شد که به موجب آن جز مواد غذایی و هدایای کوچک و بعضی از انواع فرش ها، ورود دیگر محصولات ایرانی به ایالات متحده ممانعت داشت. حتی پس از آزادی گروگان ها مصادره دارایی های ایران متوقف نشد. هدف ما از بررسی تحریم ها، تحریم های اقتصادی آمریکا علیه پرونده هسته ای است اما پیش از آنکه بهانه فعالیت های هسته ای به دست تحریم کنندگان بیفتد در جریان جنگ ایران و عراق، آمریکا تحریمات فروش اسلحه علیه ایران را وضع کرده بود و گذشته از تحریم های اقتصادی، ورود وزیر ایران به آمریکا به خاطر نقض حقوق بشر ممنوع بود. در سال ۱۹۸۷، رونالد ریگان، با اتهام حمایت از تروریسم، تحریم های کاملی علیه ایران وضع نمود در سال ۱۹۹۵ میلادی، بیل کلینتون، تحریمات کامل اقتصادی را علیه ایران وضع کرد به دنبال آن قانونی با عنوان قانون ایلسا به وجود آمد که هر شرکتی با ایران بیشتر از ۲۰ میلیون دلار تجارت داشت مورد تهدید به تحریم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قرار گرفت. تحریم‌های علمی و اخراج فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف، استرداد بزرگترین کلکسیون باستان‌شناختی تخت جمشید متعلق به ایران، تحریم شرکت‌های مایکروسافت و یاهو که در این‌جا مجال بحث از آن وجود ندارد. بانک ملی، بانک صادرات، سپاه پاسداران وزارت دفاع ایران و شخصیت‌های وابسته به سپاه پاسداران در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ از طرف وزارت خزانه‌داری آمریکا مورد تحریم قرار گرفتند. حتی ایالت‌های فلوریدا، کالیفرنیا، نیوجرسی، مریلند، تگزاس، اوهایو، ماساچوست، تحریم‌های علاوه بر تحریم‌های آمریکا وضع نموده‌اند. در ژوئن ۲۰۱۰ کنگره آمریکا تحریم‌های یکجانبه‌ای با هدف فشار آوردن به بخش انرژی و بانکداری ایران تصویب می‌کند. در ۲۰۱۰ آمریکا قانون مجازات به شرکت‌هایی که محصولات نفت تصفیه شده، با ارزش بیش از ۵ میلیون دلار در سال به ایران را صادر می‌کنند مورد تصویب قرار می‌دهد. و بانک‌های خارجی را در صورت تجارت با بانک‌های ایرانی از دسترسی به نظام مالی ایالات متحده محروم می‌کند. آمریکا در ۲۰۱۱ تحریم‌هایی را علیه شرکت دولتی نفت ونزوئلا و شش شرکت نفتی دیگر را اعلام می‌کند. علاوه بر آن‌ها، نیروی مقاومت بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی نظامی و فرمانروایان تمامی ایران را مورد تحریم قرار داد. پس از آن ایالات متحده ایران را به پولشویی متهم کرد و یازده سازمان مظنون به کمک به برنامه‌های هسته‌ای ایران را در لیست تحریم خود قرار داد و شرکت‌هایی که به صنایع نفت و پتروشیمی ایران کمک می‌کنند را تحریم کرد. در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ بارک اوباما، مؤسسات مالی معامله‌کننده با بانک مرکزی ایران را مورد تحریم قرار داد. در اصل با این هدف تحریم‌ها را اعمال نمود که مجراهای اصلی برای درآمدهای نفتی ایران را مسدود کند. و در ۲۰۱۲ تحریم‌هایی را علیه تجارت ایران و چین اعمال نمود که البته در صدد بود تا بزرگترین تأمین‌کننده محصولات نفتی ایران را از روابط تجاری با ایران منصرف کند. شرکت‌های نفتی بسیاری در این سال‌ها مورد تحریم قرار گرفتند. که شرکت‌های نفتی عمارات متحده عربی هم جزئی از آنها بود. در دوران کلینتون ۳۵ کشور جهان مورد تحریم قرار گرفته بودند. این ۳۵ کشور ۷۹۰ میلیارد دلار از صادرات جهان را خریداری می‌کردند، در تاریخ جهان چنین تحریمی با این همه گستردگی سابقه نداشت. با مطالعه تاریخچه تحریم‌ها به این نتیجه می‌رسیم که آمریکا هر بار که تحمل رفتار ناسازگار با خود را از دست میداد قوانینی تحریمی علیه دولت مخالف عقایدش وضع می‌نمود. اسامی نهادهایی که ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ از طرف وزارت خزانه‌داری آمریکا مورد تحریم قرار گرفت: بانک صادرات (به همراه تمام شعب خارج از کشور و شعبه مرکزی آن)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران، بانک ملی (به همراه تمام شعب)، بانک ملی ایران (مسکو-روسیه) بانک ملی با مسئولیت محدود (لندن - بریتانیا) - بانک کارگشایی (تهران - خیابان مولوی - میدان سعیده، پلاک ۵۸۷) بانک آریان (پروژه معاملاتی مشترک میان بانک‌های صادرات و ملی، کابل و افغانستان) بانک ملت به همراه تمام شعب - بانک بین‌المللی پرشیا (مسئولیت محدود (بریتانیا)، نهادهای وابسته به سپاه پاسداران (قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء، منطقه نظامی پاورچین - تهران، قرارگاه سازندگی کربلا - تهران، شرکت‌های عمرانی بسیار از جمله ساحل و مهندسین مشاور در تهران، مؤسسه حرا و قرارگاه سازندگی قائم - تهران، نهادهای مورد تحریم بودند - تیر ۸۷ مجموعه صنایع شهید ستاری و گروه صنایع و مهمات و متالوژی و صنایع شیمی مورد تحریم قرار گرفت. تحریم‌های آمریکا در سطوح ایالتی نیز وجود داشت، ایالت نیوجرسی در ۲۰۰۷ هرگونه روابط اقتصادی با ایران را تحریم



کرد، ایالت کالیفرنیا تحریم‌های مشابهی وضع نمود، ایالت فلوریدا در ۲۰۰۶ نخستین ایالتی که تحریم‌هایی علیه انرژی ایران وضع کرد. تحریمات علمی و آکادمیک نیز به دنبال آن بود.^{۱۱}

نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده، نتیجه کلی نوشتار حاضر این خواهد بود که تحریم‌های اقتصادی به عنوان تدابیری قهرآمیز و به‌عنوان ابزاری اقتصادی جهت رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می‌شوند و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در چارچوب فعالیت‌های هسته‌ای، تا آنجا که مربوط به قطعنامه‌های شورای امنیت هستند شاید دلیل و منشا حقوقی داشته باشند، همان طوری که میدانیم ایران موافقت نامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مبنی بر عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای را امضا کرده است، اما تحریم‌های یکجانبه با قوانین بین‌المللی مطابقت نداشته و حتی با برخی از آنها دچار تضاد و تناقض هستند. تحریم‌های یکجانبه چون کاملاً سیاسی هستند نتایج آنها تنها دامنگیر کشورهای هدف تحریم نخواهد شد، بلکه عواقبی برای جامعه بین‌المللی در بر خواهد داشت. در رابطه با ماهیت حقوقی و اینکه آیا تحریم‌های سازمان ملل از لحاظ حقوقی تا چه حد مشروعیت دارند با توجه به مطالب مورد اشاره نتیجه گرفته می‌شود که شورا در ذات خود برای حفظ صلح و امنیت جهانی باید از تحریم‌های اقتصادی به عنوان جایگزینی برای جنگ و به عنوان راه حلی دیپلماتیک استفاده کند و تحریم‌ها طبق حقوق بین‌الملل مشروع هستند و هر وضعیت بین‌المللی که به نقض صلح بینجامد بر اساس بند یک ماده یک منشور رفع آن وضعیت بر عهده شورا خواهد بود، اما آیا شورا که بر اساس منشور وظیفه احراز وضعیت‌های نقض صلح و تهدیدات علیه صلح و امنیت جهانی را داراست در تمام موارد به درستی و بر اساس عدالت بین‌المللی و حقوق و بدون تبعیض رفتار می‌کند؟ شاید نوع استفاده شورای امنیت از این اختیار و از این صلاحیت انحصاری تا حدودی سیاسی و غیر حقوقی بوده است. شورا گاه به صورت گزینشی با این مساله برخورد کرده و منافع و مسایل دیگری را بر شناخت واقعی تهدیدات علیه صلح ارجح دانسته است. در واقع شورای امنیت با حمایت قدرتهای بزرگ جهانیست که میتواند اثربخشی سیاسی و اقتصادی را از تحریم‌ها بدست بیاورد چرا که جامعه ملل با وجود قوانین مشابهی که در خصوص وضع تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهای ناقض صلح و امنیت دارا بود، بخاطر عدم حمایت قدرتهای بزرگ تبدیل به سیاستی ناموفق شد که آثار و نتایجی به دنبال نداشت. تحریم کنندگان برای همسو کردن سیاست‌های ایران با سیاست‌های خود دست به تحریم‌ها زده دند، اما از تمام تحریم‌هایی که تا کنون با هر هدفی من جمله تنبیه دولتی یا بروی کار آوردن دولت و نظام جدید و یا وادار کردن دولتی به اعمال و سیاستی دیگر، می‌توان به این نتیجه رسید که بیشترین اثر تحریم‌های اقتصادی کمرنگ کردن احترام به حقوق بشر در صحنه بین‌المللی و نادیده گرفتن قشرهایی است که از این وضعیت آسیب‌های جبران‌ناپذیر می‌بینند و این تحریم‌ها همان تنبیهی است، که به عنوان روشی دیپلماتیک برای حفظ صلح و امنیت و برای حفظ حقوق بشریت و جلوگیری از پیشامدها به وجود آمده است. از نقش و اثرگذاری اتحادیه اروپا و سایر کشورها علاوه بر ایالات متحده صحبت کردیم، مشخص شد که منافع زیادی برای اتحادیه اروپا وجود دارد که قضیه هسته‌ای ایران را از طریق دیپلماسی حل کند و علاوه بر آنکه از این طریق جریان هسته‌ای و نگرانی‌اش از بابت غنی‌سازی اورانیوم را فیصله داده، بر پرستیژ بین‌المللی‌اش نیز بیفزاید و منفعی که به دنبالش هست را نیز بدست بیاورد. نتایجی که از آخرین مذاکرات بدست

۱۱ - یاسر، ضیائی، تحریم‌های اقتصادی یکجانبه ایالات متحده علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل، وبلاگ حقوق بین‌الملل علامه طباطبائی.



آمد، برداشته شدن بخشی از تحریم‌های گسترده‌ای بود که بر ایران تحمیل گردید و از آنجایی که تفاهم نامه میان طرفین قابل تمدید است پایان تحریم‌ها بستگی به آینده روابط طرفین دارد. تحریمی که اساسنامه‌ها و قانونها از آن به عنوان ابزار تنبیه علیه دولت‌ها صحبت کردند تا از طریق آن بشود تهدیدات علیه صلح جهانی را از میان برد، تحریم‌هایی هستند که بدون رعایت این ظرایف حقوق بشری که اکنون نادیده انگاشته می‌شود مشروعیتی نخواهد داشت. زیرا تحریم‌ها اصولاً و در ذات خود برای سخت کردن شرایط زندگی افراد عادی به وجود نیامده‌اند و برای تغییر رفتار یک دولت به وجود می‌آیند. با یک نگاه حقوق بشری به قضیه تحریم‌ها پس از تمام این مطالعات و تحقیقات، این نتیجه برایمان حاصل می‌شود که اگر ساز و کار دیگری برای تنبیه و مجازات دولت‌ها وجود می‌داشت یا تحریم‌های اقتصادی با هر هدفی که اعمال می‌شوند، گذشته از هدف و منشا خود دست کم ساز و کارهایی برای تطبیق معیارهای خود با استانداردهای حقوق بشر داشتند مردم عادی کمتر آسیب می‌دیدند. همواره دیده می‌شود که در گوشه و کنار دنیا، حقوق بشر فدای بازی‌های سیاسی می‌شود از طرفی این تحریم‌های اقتصادی نمی‌تواند سیاست‌ها یا خطوط فکری دولت یا ملتی را تغییر دهد. و نه تحریم‌های اقتصادی که راه حل غیر نظامی وادار کردن دولت‌ها به رعایت ضوابط است و نه حتی گزینه‌های نظامی و تهدید به زور هم نمی‌تواند باعث حفظ و نگهداری قواعد بین‌المللی شود. تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بر ایران بیشتر تحریم‌های مالی چند جانبه و همه جانبه هستند. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران قبل از بحرانی شدن موضوع هسته‌ای اعمال می‌شدند و بعد از رسیدن به توافق با سران کشورهای مخالف فعالیت‌های هسته‌ای در برخی موارد نیز بخشی از تحریم‌ها همچنان ادامه خواهد یافت زیرا غنی‌سازی فقط قسمتی از مشکلاتی است که تحریم‌کنندگان در مورد آن با ایران اختلاف نظر دارند. تحریم‌ها هر چند گاهی آسیب‌هایی شبیه اتفاق افتادن یک جنگ را بر کشورهای مورد تحریم وارد می‌کنند اما کارایی تحریم‌ها به علت رنگ و بوی سیاسیشان به تدریج در جامعه بین‌المللی کاهش می‌یابد و هر روز بیشتر حقوق انسانی را هدف قرار می‌دهد و با این حساب دیگر نمی‌تواند از حقوق بین‌الملل برای خود پوششی بسازد.



منابع

کتاب ها

- کنت، تیمرمن، تحریم اقتصادی ایران، مجله سیاست خارجی، شماره ۱، ص ۷.
- علی اکبر، دهخدا، لغتنامه فارسی.
- مصطفی، زهرانی، نظریه های تحریم اقتصادی، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
- یاسر، ضیائی، بررسی مشروعیت تحریم های یکجانبه در حقوق بین الملل، وبلاگ حقوق بین الملل عمومی علامه طباطبایی.
- یاسر، ضیائی، تحریم های اقتصادی یکجانبه ایالات متحده علیه ایران از منظر حقوق بین الملل، وبلاگ حقوق بین الملل علامه طباطبایی.
- محمدجواد، ظریف و سعید، میرزایی، تحریم یکجانبه آمریکا علیه ایران، مجله سیاست خارجی، شماره ۱، ص ۹۰.
- عبدالله، قنبرلو، آمریکا و بحران هسته ای ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۲، ص ۷۳۶.